

THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies
Vol 15, Consecutive Number 34, Winter 2023

Issn:2717-090x

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Analysis of Representation of Gender Ideology in Stylistic Layers of Personal Persian Elegies

Esmailyan Azari. Zahra¹.Oskooi.Narges^{2*} -Dadashi. Hosein³

1: PhD student of Persian language and literature, Bonab branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

2: Associate Professor of Persian language and literature, Bonab branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran: Correspondence author (noskooi@yahoo.com)

3: Assistant Professor of Persian language and literature, Bonab branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

Abstract: The representation of gender ideology is to show the author's gender world (beliefs, customs and traditions, behavioral acts expected from both sexes, distribution of power between the two sexes) either from a position of agreement with the dominant discourse of the society or from a critical point of view in the text. The main objective of this research is the analysis of the representation of gender ideology in the stylistic layers of the personal elegies of Persian-speaking male and female poets. The representation of poet's individuality (self) in personal elegies makes it feasible to study author's identity, for instance in terms of gender. This study was conducted via a combined research method (descriptive-statistical-comparative analysis), employing layered stylistics as the theoretical basis. The following results were obtained from this research (in three lexical, syntactic and rhetorical layers). Symbols indicating submission and satisfaction, short and discrete sentences and emotional and sensory rhetorical devices are used more often in the elegiac writing of female author to reflect the concepts of acceptance of fate, internalization of gender role and status, as well as oppression and inferiority, in line with the dominant discourse. The ideology represented in the personal elegies of male authors indicates authoritative protest and overbearing authoritarianism. Compared to women's emotional emotions that can be found in their declarative and emotional speech acts and short and discrete elegiac sentences, men have reflected more logical reflections with long continuous sentences, persuasive speech acts and more rhetorical tools.

Keywords: representation, gender ideology, Persian personal elegies, layered stylistics, discourse analysis.

- Z. Esmailyan Azari; N. Oskooi; H. Dadashi (2023). Analysis of Representation of Gender Ideology in Stylistic Layers of Personal Persian Elegies, *THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies* 15(34), 249-274.

Doi: [10.22075/jlrs.2023.30074.2253](https://doi.org/10.22075/jlrs.2023.30074.2253)

مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴ - شماره ۳۴ - زمستان ۱۴۰۲

صفحات ۲۴۹ - ۲۷۴ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۱۲/۱۱ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶

تحلیل بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در لایه‌های سبکی

سوگ سروده‌های شخصی فارسی

زهرا اسمعیل یان آذری^۱ / نرگس اسکویی^۲ / حسین داداشی^۳

۱: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب ایران.

۲: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب ایران (نویسنده مسئول) noskooi@yahoo.com

۳: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب ایران.

چکیده: بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی، نشان‌دادن جهان جنسیتی مؤلف (باورها، رسوم و سنت‌ها، کنش‌های رفتاری مورد انتظار از هر دو جنس، توزیع قدرت میان دو جنس) یا از جایگاه موافق همسو با گفتمان قاهر جامعه یا از دیدگاهی انتقادی در متن است. مسئله اصلی این تحقیق، تحلیل بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در لایه‌های سبکی مرثیه‌های شخصی شاعران زن و مرد پارسی گو است. بازنمایی فردیت (خود) شاعر در مرثیه‌های شخصی، امکان انواع مطالعات هویت‌شناختی مؤلف، نظیر جنسیت را در این گونه ادبی به دست داده است. برای انجام این پژوهش، از روش تحقیق ترکیبی (توصیفی-آماری-تحلیل قیاسی) استفاده شد و مبنای نظری تحقیق، سبک‌شناسی لایه‌ای بوده است. از انجام این تحقیق در سه لایه واژگانی، نحوی و بلاغی، نتایج زیر حاصل شد: زنان با رمزگان مبین تسلیم و رضا، جملات کوتاه و گسسته و ابزارهای بلاغی حسّی و عاطفی، مفاهیم پذیرش سرنوشت، درونی شدن نقش و جایگاه جنسیتی و نیز مظلومیت و فرودستی بیشتری را در سوگ سروده‌های خود، همسو با گفتمان غالب جامعه، بازتاب داده‌اند. ایدئولوژی بازنمایی شده در مرثیه شخصی مردان، حاکی از اعتراض مقتدرانه و آمرانگی فرادستانه است. در مقایسه با هیجانات عاطفی زنانه که در کنش‌های گفتاری اظهاری و عاطفی و جملات کوتاه و گسسته مرثیه آنان پیداست، مردان با جملات طولانی پیوسته، کنش‌های گفتاری ترغیبی و ابزارهای بلاغی بیشتر، تأملات منطقی بیشتری را انعکاس داده‌اند. با تغییرات اجتماعی و فرهنگی، از میزان فروتنی و تسلیم منعکس شده در سوگ سروده‌های زنان کاسته شده است.

کلیدواژه: بازنمایی، ایدئولوژی جنسیتی، مرثیه شخصی فارسی، سبک‌شناسی لایه‌ای، تحلیل گفتمان.

- اسمعیل یان آذری، زهرا؛ اسکویی، نرگس؛ داداشی، حسین (۱۴۰۲). تحلیل بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در لایه‌های سبکی سوگ سروده‌های شخصی فارسی. *مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۴، صفحات ۲۴۹-۲۷۴.

Doi: [10.22075/jlrs.2023.30074.2253](https://doi.org/10.22075/jlrs.2023.30074.2253)

۱. مقدمه

بر اساس بسیاری از دیدگاه‌های زبان‌شناختی و تئوری‌های تحلیل گفتمانی، هر متن، تصویری از مؤلف را در بر دارد (ولف^۱، ۱۳۶۷: ۸۸) و در متون مختلف، شاهد بازنمایی^۲‌های متفاوتی هستیم که ریشه در گوناگونی و تنوع ایدئولوژی‌ها دارد (هینیک^۳، ۱۳۷۸: ۱۶). بازنمایی، عبارت است از به کارگیری زبان به منظور گفتن سخن معنادار دربارهٔ جهان، به قصد بازتعریف جهان (جهان مؤلف / جهان به روایت مؤلف) برای دیگران. عینیت یافتن ایدئولوژی در زبان، از طریق بازنمایی پیام‌های متن صورت می‌گیرد و مفهوم پیام ایدئولوژیک، توسط مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناختی، تحلیل گفتمانی و... تفسیر می‌شود (Kress & Van Leeuwen, 2006: 4)؛ (10): Hall, ۱۹۹۷). خاستگاه ایدئولوژی یا «مجموعه‌ای از باورهای کنش محور» (Fawcett, ۲۰۰۱: ۱۰۷)، معرفت‌شناسی حاصل از حسیات و تجربیات زیستهٔ انسانی است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۱: ۴۵) و متن نمی‌تواند از نقش‌های انسانی و منظرهای ایدئولوژیک وی، بری و بی‌طرف باشد (دمالی امیری، ۱۳۸۰: ۴۰)؛ از این رو، بازنمایی جهان (های انسانی) در متن، ثابت نیست؛ زیرا نقش‌های متفاوت انسانی با صورت‌های زبانی، برهم‌کنش‌های مستقیمی را به نمایش می‌گذارند که متفاوت با بازنمایی‌های دیگر است (Brown & Yule, ۱۹۹۳: 10). به بیان دیگر، از آنجا که نشانه‌ها و رمزگان زبان، ماهیتی اجتماعی دارند، پیوستاری گفتمان و زبان، استحکام می‌یابد و سرشت ایدئولوژیک در کنار نبوغ آفرینش، انگیزه‌های فردی و ذوق زیبایی‌شناختی، در تولید متن، ایفای نقش می‌کند. منطقهٔ جغرافیایی، طبقهٔ اجتماعی، قومیت، سن، تحصیلات و نیز جنسیت^۴، از جمله عوامل غیرزبانی مؤثر در پیدایش نموده‌ای زبانی (بازنمایی ایدئولوژی در زبان) شناخته می‌شوند. امروزه توجه به جنسیت به‌عنوان یکی از مشخصه‌های قشربندی و بازنمایی زبانی، از اهمیت بسیاری برخوردار است و زبان یکی

-
1. Wolff
 2. Expressed
 3. Hinik
 4. Gender

از کارگزاران نمادین نقش‌های جنسیتی به حساب می‌آید. در دیدگاه گفتمان‌شناختی، جنسیت، یک امر زیست‌شناختی نیست؛ بلکه محصول فرهنگ و متن‌های اجتماعی است. همچنین از این منظر، جنسیت، عامل مهمی در تقسیم قدرت بین افراد شمرده می‌شود (هولمز^۱، ۱۳۸۹: ۲۷).

ایدئولوژی جنسیتی^۲ از برآیند دو واژه ایدئولوژی و جنسیت که هر دو بر ساخته فرهنگی و اجتماعی بوده و اکتسابی است، تشکیل شده است. مجموعه الگوها، باورها و سنت‌ها، رفتارها و اشتراکات عقیده‌ای مربوط به جنسیت و نقش‌های جنسیتی در میان یک گروه از انسان‌ها، ایدئولوژی جنسیتی آن گروه را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر، مجموع نگرش‌های مشترکی را که افراد با زمینه فرهنگی - اجتماعی یکسان، نسبت به مفهوم جنسیت، نقش‌ها و ویژگی‌های جنسیتی و انتظاراتی که از رفتارهای جنسیتی یک فرد به دلیل تعلق به جنسیت خاص دارند، ایدئولوژی جنسیتی می‌دانیم. مؤلفه‌هایی نظیر باورهای مذهبی، رسوم و سنت‌های قومی و ارزشی و از همه مهم‌تر، شیوه توزیع قدرت بین دو جنس و رفتارهای مبتنی بر رفتارهای کلیشه‌ای جنسیتی در جامعه، در شکل‌گیری ایدئولوژی جنسیتی اثرگذارند (Barnett, , Marshall, Raudenbush, & Brennan, 1993: 64). ایدئولوژی جنسیتی بازنمایی شده در هر متن که متأثر از ایدئولوژی قاهر و غالب جامعه و مورد حمایت نهادهای قدرت است، گاه هم‌راستا با باورهای کنش‌محور جامعه بوده و به بازتولید و تبلیغ ایدئولوژی مسلط می‌پردازد و گاه ناقد و نافی ایدئولوژی حاکم است و در کالبد ایدئولوژی جنسیتی انتقادی ظاهر می‌شود. سوگ سروده‌های شخصی، به‌ویژه آن دسته که در سوگ فرزند یا معشوق/همسر سروده شده‌اند را می‌توان عاطفی‌ترین ساحت غنایی به شمار آورد. این گونه ادبی، به برون‌ریزی هنرمندانه و جاندار فقدان و سوگ در آدمی اختصاص دارد و شاعر در آن به ابراز خود (فردیت) و آنچه از مصائب سوگ بر او می‌گذرد، می‌پردازد.

1. Holmes
2. Gender Ideology

چقدر سخت است داغ فرزند

برای من این امتحان رخ داد، افسوس
(نک: وثیق، ۱۳۹۶: ۱۶۲)

از جمله عوامل مؤثر بر کیفیت سوگواری، «جنسیت»، به عنوان عنصری فرهنگی - اجتماعی، حائز اهمیت و شایسته مطالعه است. زنان و مردان شاعر، جاندارترین عواطف و تأثرات انسانی ناشی از فقدان و تجربه زیسته خود در فرایند سوگ را در سوگ‌نامه‌ها و سوگ‌سروده‌های خویش به نمایش گذاشته‌اند. وضوح و صراحت تصاویر سوگ و فرایند سوگواری که شاعر، روایتگر آن است، علاوه بر آنکه در مخاطب، به ویژه مخاطبی که این فقدان را تجربه کرده است، حس هم‌ذات‌پنداری قوی ایجاد می‌کند، امکان مطالعه در تأثیر انواع عوامل هویت مؤلف، نظیر جنسیت وی را در این نوع شعر فراهم می‌آورد.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

سوگ‌سروده‌ها روایت واقع‌گرایانه شاعرانی است که به بازنمایی تأثرات خود از فرایند سوگ و فقدان حاصل از آن به عنوان تجربه زیسته انسانی و در بستری فرهنگی - اجتماعی می‌پردازند و بدین ترتیب، جهان را از نظر گاه‌باورهای کنشی و ارزشی «خود» برای مخاطب بازنمایی می‌کنند. بازنمایی ایدئولوژیک، فرایندی پیچیده و چندمرحله‌ای است که در افراد مختلف با تظاهرات متفاوت ظهور می‌یابد و عواملی چند، از جمله جنسیت که بر ساخته‌ای فرهنگی - اجتماعی است، در کنترل و اثرگذاری بر آفرینش بازنمایانه و زیبایی‌شناسانه اثرگذار است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که ضمن تحلیل مرثیه‌های شخصی شاعران زن و مرد بر مبنای سبک‌شناسی لایه‌ای، تأثیر ایدئولوژی جنسیتی را که در این نوع اشعار ظهور و بروز یافته و بر لایه‌های سبکی این گونه غنایی اثرگذار بوده است، تجزیه و تحلیل کند. برای انجام این پژوهش، از روش تحقیق ترکیبی (توصیفی - تحلیل قیاسی - آماری) استفاده می‌شود. فرایند این پژوهش از طریق پاسخ‌گویی به این سؤالات محقق خواهد شد:

۱. بازنمایی ایدئولوژی در لایه‌های سبکی مختلف در سوگ‌سروده‌های زنان و مردان، از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟
۲. بین لایه‌های سبکی مختلف در حسب‌حال‌های زنان و مردان، چه تفاوت‌های معناداری وجود دارد؟
۳. جنسیت مؤلف چه تأثیری بر تفاوت لایه‌های سبکی در این نوع اشعار گذاشته است؟

۲-۱. روش تفصیلی انجام پژوهش

برای انجام این پژوهش، نخست، ویژگی‌های هر یک از لایه‌های سبکی مختلف (واژگانی، نحوی و بلاغی) در مرثی‌های زنان و مردان، با تکیه بر دانش سبک‌شناسی لایه‌ای، استخراج و آمارگیری شد. جامعه آماری این پژوهش، سوگ‌سروده‌های شاعران در ماتم فرزندان و همسرانشان است. برای این گروه، از میان شاعران مرد، اشعاری از سنایی غزنوی (۵۴۵-۴۷۳ق)، خاقانی شروانی (۵۹۵-۵۲۰ق)، خواجهی کرمانی (۶۸۹-۷۵۲ق)، هاتف اصفهانی (متوفای ۱۱۹۸ق)، محمدحسین شهریار (۱۳۶۷-۱۲۸۵ش) و عماد خراسانی (۱۳۸۲-۱۳۰۰ش) انتخاب شده است. از میان شاعران زن، سوگ‌سروده‌های جهان ملک خاتون (۷۸۴-۷۲۴ق)، بیجه منجمه (سده نهم هجری)، خورشید بانو ناتوان (۱۲۴۷-۱۳۱۵ق)، عالم‌تاج (ژاله) قائم‌مقامی (۱۲۶۲-۱۳۲۶ش) و بدری تندی (۱۳۶۹-۱۲۸۴ش) انتخاب و بررسی شده است. ابیات منتخب از مرثی‌های مردان ۲۳۴ بیت و از مرثی‌های زنان ۱۶۸ بیت است. ابیات هر گروه از زنان و مردان به صورت مستقل از همدیگر، در دو جامعه آماری زنان و مردان، تهیه و بررسی شده و سپس بخش‌های مختلف هر دو جامعه آماری به روش درصد فراوانی، باهم مقایسه گردیده است. استفاده از روش آماری در صدی در مقایسه هر دو گروه جامعه زنان و مردان، از یک سو و بررسی آماری مستقل در هر دو گروه جامعه آماری از

سوی دیگر، یکسان بودن تعداد ابیات زنان و مردان ضروری نکرده و آمار درصدی قابل اعتماد است.

نتایج این جست‌وجو در جداول تنظیم شد و آمارگیری‌های مربوط انجام گرفت. در مرحله بعدی، آمار و اطلاعات به دست آمده از بررسی ویژگی‌های سبکی لایه‌های مختلف مرثیه‌های زنان و مردان، باهم مقایسه و اطلاعات این بخش نیز در جداول و نمودارهای آماری تنظیم و ارائه شد. مرحله پسین، تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق به روش توصیفی و تحلیل قیاسی و در آخر، نتیجه‌گیری از مجموع مطالعات آماری و تحلیلی برای پاسخ‌گویی به سؤالات و مسئله اصلی پژوهش بوده است.

۳-۱. پیشینه پژوهش و ضرورت انجام آن

مرثیه به‌عنوان ژانری شاخص و اثرگذار در میان گونه‌های غنایی، همواره از جهات مختلف، نظیر مطالعات سبک‌شناختی، تحقیقات تاریخی، پژوهش‌های زبان‌شناختی، بررسی‌های زیبایی‌شناسانه و بلاغی و همچنین انواع مطالعات میان‌رشته‌ای، همچون تحلیل‌های روان‌شناختی، مطالعات فرهنگی و پژوهش‌های جامعه‌شناسانه، مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده است و هریک از تحقیقات، بر دانش ما در خصوص مرثیه و مرثیه‌سرایی فارسی افزوده‌اند؛ اما در میان این پژوهش‌ها، اثری که با تکیه بر ایدئولوژی جنسیتی، به بررسی سوگ سروده‌های شخصی فارسی بپردازد و تأثیر عوامل هویتی- فرهنگی را در لایه‌های سبکی مرثیه‌سرایی بجوید، به دست نیامد؛ بنابراین، تحقیق حاضر، هم از نظر بهره‌مندی از اصول علمی سبک‌شناسی لایه‌ای و نیز از جهت توجه و تحلیل مقایسه‌ای متغیر جنسیت در تحلیل لایه‌های سبکی این گونه از اشعار، پژوهشی نوآورانه و ضروری در ساحت مرثیه‌سرایی به شمار می‌آید.

۳-۲. چارچوب نظری پژوهش

سبک‌شناسی معاصر، توجه به زبان را برای رهیابی به سبک متون، ناگزیر می‌شمارد و معتقد است بازنمایی‌های منحصر به فرد هر متن، از طریق تشخیص‌گزینش‌های زبانی در سطوح مختلف آن متن انجام می‌پذیرد. در این تفکر، گزینش یا رفتارهای خاص

زبانی در هر متن، محصول رفتارهای خاص ذهنی و ایدئولوژیک مؤلف آن شمرده می‌شود؛ مؤلف برای گنجاندن فهم عاطفی «خود» از جهان و باورهای ایدئولوژیک خود در قاموس زبان، گزینش‌های شخصی خود را به هر دو گونه خودآگاه و ناخودآگاه، در زبان اعمال می‌کند. به این ترتیب، سبکی خاص در متن آفریده می‌شود که محصول آن، خصلت ایدئولوژیک و این گزینش خاص زبانی است (احسانی اصطهباناتی، ۱۴۰۱: ۳۶). تلاش سبک‌شناسی، تفسیر متن از طریق بازخوانی الگوهای کدگذاری شده ساختار زبان است که ماحصل گزینش‌های عامدانه یا خودکار مؤلف است (Simpson, 2004: 5). بازخوانی‌های متنوع از زبان در حوزه سبک‌شناسی، به‌عنوان یکی از ابزارهای دریافت و تفسیر صورت‌های زبانی و غیرزبانی بافت متن، نقش مهمی ایفا می‌کند (Verdonk, 2002; Simpson, 2004: 7; Leech, 2013: 55). سبک‌شناسی لایه‌ای، بررسی ایدئولوژی در متن ادبی را به شیوه بازنمایی تأثیرات روانی و ایدئولوژیک از زاویه دید نویسنده میسر می‌سازد. هدف اصلی سبک‌شناسی لایه‌ای، کاوش در لایه‌های زیرین زبان است تا از طریق جست‌وجو در معنای متن، موضع‌گیری ایدئولوژیک نویسنده را از دل گزینش‌های سبکی وی استخراج کند. لایه‌های سبکی مورد تحقیق در این روش سبک‌شناختی عبارت‌اند از: واژگانی، دستوری، صورت‌های بیانی، رابطه بافت متن با گفتمان، آواشناسی، کاربردشناسی و معنی‌شناسی (Simpson, 2004: 5). هدف از بررسی در این لایه‌ها که در عین استقلال، پیوستاری ساختاری و گفتمانی عمیقی دارند، افزایش توانایی تفهیم و تفسیر متن است.

۳. ارائه و تحلیل داده‌های تحقیق

۳-۱. لایه واژگانی

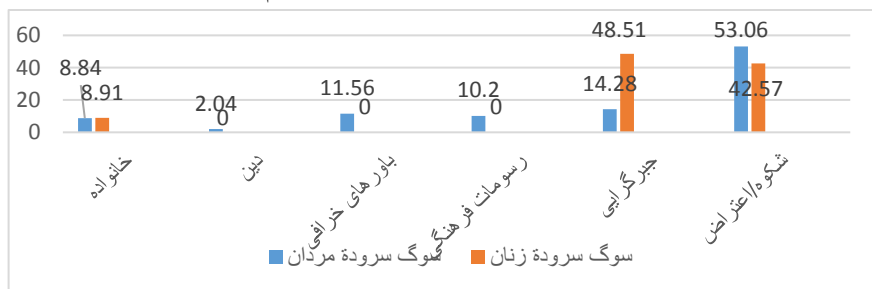
نوع گزینش واژه‌ها در لایه واژگانی، هویت احساسی و ایدئولوژیک متن را می‌سازد. واژه‌ها بار احساسی متفاوتی ایجاد می‌کنند و این ویژگی‌های متفاوت عاطفی -

تحلیل بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در لایه‌های سبکی سوگ سروده‌های شخصی فارسی - ۲۵۷

معرفت‌شناختی که از گزینش‌های خاص و هدفمند واژگان نشئت می‌گیرد، متن را شخصی‌سازی می‌کند؛ بنابراین، واژگان فقط سازنده معنی نیستند، بلکه هویت و شاکله زبان را نیز بیان می‌کنند (جرجانی، ۱۳۷۴: ۲۷۹ و ۲۸۰). بدین ترتیب، نقش یک واژه یا طبقه خاصی از واژگان در متن، برای جست‌وجوهای سبک‌شناختی و گفتمانی، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

۳-۱-۱. رمزگان

رمزگان‌ها شاخصه‌های زبانی و نشان‌داری از واژه‌ها هستند که متن را با یافته‌ها و زیرمتن‌های اجتماعی و فرهنگی پیوند می‌زنند. رابطه معنادار واژگان با ایدئولوژی را می‌توان با بررسی بسامد رمزگان‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دیگر ساختارهای اجتماعی نشان داد. همچنین شاخص‌هایی که نویسنده برای افراد و نهادها به کار برده و بسامد واژه‌های نشان‌دار در سخن وی، نشان‌دهنده پیوند متن با ایدئولوژی است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۰). برای بررسی بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در لایه واژگانی مرثیه‌ها، پنج گروه رمزگانی را که هر کدام بر یکی از ابعاد فرهنگی و اجتماعی باورمندی‌های ایدئولوژیک اشاره دارند، در مرثیه‌های زنان و مردان بازجستیم:



نمودار شماره ۱: مقایسه درصد فراوانی انواع رمزگان در سوگ سروده‌های زنان و مردان
همچنان که در نمودار ارائه شده مشخص است، رمزگان مربوط به خانواده و زنانگی - مردانگی در آثار مردان و زنان، از فراوانی یکسانی برخوردار است. این رمزگان نشان از قبول نقش‌های مردانه و زنانه و احساس تعهد به تکالیف در قبال خانواده است که در شکل کلیشه‌های جنسیتی و فرهنگی، بخش بزرگی از ایدئولوژی و هویت فرد را تشکیل می‌دهد:

پیش مادر سر تابوت پسر بگشاید

این توانید که مادر به فراق پسر است

کفن از روی پسر پیش پدر بگشاید

پدر سوخته در حسرت روی پسر است

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۱/۲۴۱)

برخلاف تصور رایج، در مرثیه‌های زنان، فراوانی رمزگان مربوط به حوزه باورهای دینی، خرافات و رسوم فرهنگی، نسبت به مرثیه مردان کمتر است. یکی از دلایل این امر، به تفاوت دوره‌های اجتماعی و زمان زیست شاعران مرتبط است. در سیر دوره‌های ادبی، هر چه به عصر حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، از شدت و میزان گرایش و باورمندی به حوزه باورها و اعتقادات (به‌ویژه باورهای خرافی) کاسته می‌شود؛ اما در مرثیه مردان و در شعر کهن، وضوح و صراحت این باورها بسیار پررنگ است. خاقانی رتبه نخست این بخش را داراست:

هم به تعویذده شعبده‌گر بازدهید

هیکل و نشره و حرزی که اجل بازداشت

هم بدان پیرزن مخرقه‌خر بازدهید

آن زگال‌آب و سپندی که عرض دفع نکرد

هم به قرادم تسبیح‌شمر بازدهید

رشته پُرگره و مَه‌رتب قرایان

چنگ شیر و سروی آهوی نر بازدهید

در حمایل سرو و چنگ چو سودیش نکرد

بند تعویذ ببری و پتر بازدهید

چشم بد کز پتر و آهن و تعویذ نگشت

(همان: ۲۳۰)

در رمزگان مربوط به جبر‌گرایی و پذیرش مفاهیمی چون تقدیر و سرنوشت، تفاوت معناداری در مرثیه‌های زنان نسبت به مردان وجود دارد. تسلیم و رضا از مفاهیم پرتکرار برآمده از این دسته رمزگان است که در شعر زنان، نمود بسیار دارد. تن دادن آسان‌تر به مصیبت، خود را به تمامی به دست قضا و انهادن و تلقین گریزناپذیری پدیده‌های هستی، در مرثیه‌های زنان به نحوی اثرگذار بیشتر از شعر مردان است.

تحلیل بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در لایه‌های سبکی سوگ‌سروده‌های شخصی فارسی - ۲۵۹

ندا رسید که ای بلبان شوریده
چو گل ز دست ربودت زمانه ناله چه سود؟
رضا رضای خداوند و بندگان تسلیم
بده تو صبر جزیلیم به محنت ای معبود
به هرچه حکم کنی حاکمی و ما بنده
فدای راه رضا کرده‌ایم بود و وجود
(جهان ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۱۱)

هر چه آید به سر ما همه از حکم قضاست
پس شکایت نتوان کرد ز بیداد زمان
(همان: ۵۱۲)

به نظر می‌رسد این تسلیم، بخش مهمی از بازنمون ایدئولوژی جنسیتی در لایه واژگانی مراثی زنان باشد که به‌سان جزئی از کل، خصلتی ایدئولوژیک (از جهان زنانه) را بازنمایی می‌کند و نشانی از انقیاد معهود فرهنگی در طول قرن‌ها حیات بشری در مقابل قواعد طبیعی و نیز چارچوب‌های مصنوع بشری (غالباً مردانه) به شمار می‌آید. شایان ذکر است این ویژگی نیز با نزدیک‌تر شدن به هستی کنونی بشر، تحوّل معناداری یافته و با گذر زمان، از شدت بروز آن در شعر زنانه کاسته شده است؛ اما همچنان عبارات «چه کنم؟» و «چه توان کرد؟» در شعر زنانه، به‌سان پیرنگی زوال‌ناپذیر خودنمایی می‌کند: از جهان غیر جفا نیست نصییم، چه کنم؟ که مرا پشت دل از غصه و غم چون نون است
(همان: ۵۱۰)

زاری من به فلک بر شد لیکن چه کنم؟
به‌جز از صبر و تحمل تو بگو چه توان کرد؟
(همان: ۵۱۲)

در سویه دیگر خصلت تسلیم و جبرگرایی، رمزگان مربوط به مفاهیم عصیان و اعتراض بازجسته شده است. در این عرصه، مردان با اقتدار و جسارتی که می‌توان آن را از خصایص ایدئولوژی جنسیتی مردانه به‌شمار آورد، زبان به اعتراض در برابر زمین و زمان، قضا و جبر و انسان گشوده‌اند. در این برون‌ریزی خشمگینانه عاطفی که بعضاً رنگی از پرخاشگری نیز با خود دارد، نشانه‌های فرهنگی و جنسیتی بارز از بالادستی مردانه می‌توان مشاهده کرد. عصیان در شکل ناخشنودی از ادراک تجربه مرگ عزیزان، در تمام لایه‌های سبکی مراثی مردان و از جمله سطح واژگانی، بازنمایی شده است. آمرانگی، کلام حق‌به‌جانب و آسان‌تر بودن اعتراض (در مقایسه با دشواری آن نزد زنان)،

بخش مهم دیگری از ایدئولوژی جنسیتی انعکاس یافته در سوگ سروده‌های مردان است. خاقانی به سان فرماندهی نظامی، از یاران و خادمان و ندیمان، ویرانگری و نابودی همه چیز را در بیان خشم حاصل از فقدان همسر می‌طلبد:

سر سر باغچه و لبلب بر که بکنید
رگ مرغان ز سر سرو خضر بکشاید
گلشن آتش بزنید و ز سر گلبن و شاخ
نارسیده گل و ناپخته ثمر بکشاید
گیسوی چنگ و رگ و بازوی بریط ببرید
گریه از چشم نی تیزنگر بکشاید
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۱/۲۳۵)

اعتراض در مرثی زنان، شدت، قدرت و آشکاری عصیان مرثی مردانه را ندارد. زنان با احتیاط و خویشن‌داری بیشتری نوای معترضانه در مرثی خود سر داده‌اند. نغمه اعتراض زنانه، با تحولات زمانه و افزایش جایگاه و نقش زنان در سطوح مختلف اجتماعی، از دل مرثی آنان رساتر به گوش می‌رسد؛ اما همچنان در قرون متأخر نیز دادخواهی و اعتراض زنانه، آن رنگ‌وبو، خشونت و آزادی بیان اعتراض‌های مردانه را ندارد و نسبت به آن کم‌جان‌تر است:

کج‌روش است این آسمان، افسوس
بی‌وفاست این جهان، افسوس
(خورشید بانو ناتوان به نقل از وثیق، ۱۳۹۶: ۱۶۲)

شعری که عالم تاج قائم‌مقامی (۱۳۲۶-۱۲۶۲ ش) در رثای همسرش سروده است، یک دگردیسی کامل در گونه مرثیه‌سرایی شخصی زنان است. عالم تاج در این شعر با عنوان «پس از مرگ همسر» که به زبان روایی سروده شده است، ابتدا با لحنی واقع‌گرا به بیان تمایلات شخصی خود در قالب یک زن می‌پردازد و حکایت می‌کند که در طی حیات همسرش، پیوسته این رؤیا را در سر می‌پرورانده که «اگر روزی این بختیاری بمیرد»، با همسری باب میل خود، ادیب و فرهنگ‌دوست ازدواج می‌کند و ناکامی‌های ازدواج اول را با ازدواج دوم جبران می‌سازد:

تحلیل بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در لایه‌های سبکی سوگ‌سروده‌های شخصی فارسی - ۲۶۱

یکی شوی فاضل‌گزینم که با او
جهان را دو روزی به شادی گذارم
ندیمی به سامان و سامان عشقی
نه چونان که طی گشت سالی سه چارم
ز شعر و ز تاریخ و عرفان و هیئت
سخن‌ها بگویم نکت‌ها شمارم
(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۱۲۸)

اما آنچه پس از مرگ همسر و در قاموس یک بیوه‌زن تجربه و روایت می‌کند، یک تراژدی فرهنگی - اجتماعی است. در این روایت وقایع نگارانه و شخصی، عالم تاج از ناامیدی و آزار و اذیتی که یک زن تنها در جامعهٔ مردسالار متحمل می‌شود، سخن می‌گوید:

مرا برفشان‌دند آتش به سر بر
نه خصمان که خویشان بیگانه‌سارم
یکی خورد نانم، یکی برد آبم
یکی داد زهرم، یکی کوفت زارم
ربودند و بردند و خوردند و رفتند
چو چنگیزیان از یمین و یسارم
(همان: ۱۳۱)

در این سوگواره، کمتر اثری از بیان واکنش‌های سوگواری می‌بینیم و در عوض، مهم‌ترین عاطفه‌ای که در لایهٔ گفتمانی این شعر دیده می‌شود، تحسّر و تأسّف زنی رنج‌کشیده و فرودست است که اندیشهٔ رهایی از زندان زندگی خانوادگی برای او به سیاه‌چاله‌ای از آزار و اذیت‌های اجتماعی منتهی شده است و سوگواری اصلی زن، نه بر شوی، بلکه بر روزگار خودش، از این نقطه آغاز می‌شود:

پسر رفت و شو مرد، هستی تبه شد
توان گفتن اکنون به کف هیچ دارم
(همان)

۲-۱-۳. شاخص

شاخص‌ها صفاتی هستند که به افراد، جای‌ها و زمان‌ها اعتبار و معنایی بالاتر از سطح عادی زبان می‌بخشند (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۶۷) و آن‌ها را از صف واژگان و اسامی بدون نشانه و تعریف، خارج می‌کنند. شاخص‌ها از این لحاظ قابل توجه و مهم‌اند که حسّیات، تفکّر و عواطف مؤلف را دربارهٔ اشخاص، مکان‌ها و موقعیت رخدادها برجسته می‌سازند.

جدول شماره ۱- مقایسه درصد فراوانی انواع شاخص در سوگ سروده‌های زنان و مردان

جنسیت شاعر	شاخص شخص	شاخص زمان	شاخص مکان
درصد فراوانی برای ابیات مردان	۴۰ درصد	۲۰ درصد	۴۰ درصد
درصد فراوانی برای ابیات زنان	۴۳/۷۵ درصد	۳۷/۵ درصد	۱۸/۷۵ درصد

شاخص‌های اسمی در مراثی زنان نسبت به مراثی مردان، فراوانی بیشتری دارد. زنان با کاربرد بیشتر شاخص‌های اسمی، غم و درد مصیبت تجربه‌شده را شخصی‌سازی می‌کنند. زنان با کاربری شاخص‌ها و با تشخیص بخشیدن به اندوه، تجربه‌ای را که متعلق به «خود» آنان است، برجسته‌سازی می‌کنند و بدین ترتیب، عینیت بیشتری به اندوه شخصی خود می‌بخشند. کاربرد شاخص‌ها مجال بیشتری برای ظهور فردیت به شعر زنانه می‌بخشد و زنان با برشمردن صفات فرد در گذشته یا ذکر نسبت وی با خودشان، عاطفه‌ای محسوس و جاندارتر را به تماشا می‌گذارند که حس‌تر از انواع تصویرسازی‌های ادبی و خیالی، نظیر کنایات بعید و استعارات دور و دراز و ابهام‌های شاعرانه که مردان رغبت بیشتری بدان دارند، عمل می‌کند و در عین سادگی زبانی، اثربخشی بیشتری نیز بر ادراک مخاطب دارد. شاخص‌های اسمی در مراثی زنان، نقش و ضرورت وجودی متوفی را برای شاعر پرننگ‌تر کرده و فقدان او را برای مخاطب، ملموس‌تر می‌سازند:

به سر سایه‌ای بود از کرد گارم

گران‌مایه مردی، جوانمرد شویی

(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۱۲۹)

هیچ هم‌آیین و همانند نیست

دختر من، ماتم فرزند را

ناصر من بر تو ظفرمند نیست

چونان پنداشتم بودم که مرگ

(همان: ۵۱)

تحلیل بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در لایه‌های سبکی سوگ سروده‌های شخصی فارسی - ۲۶۳

همچنان که گزینش رمزگان، واژگان و صفت‌ها، بر اساس زیرساخت‌های ایدئولوژیک مؤلف شکل می‌گیرد، اندیشه و خط فکری وی نقش اثرگذاری در ترتیب چینش واژه‌ها، در زنجیره عبارات و جمله‌ها در محور هم‌نشینی زبان دارد. روابط نحوی میان صورت‌های زبانی، شکل‌های متفاوتی از منطق و گفتمان ایدئولوژیک را بازمی‌نماید. در لایه نحوی، با جست‌وجو در مسائلی نظیر قطعیت افعال و قیود، وجهیت جملات، کوتاهی یا بلندی جمله‌ها و عبارت‌ها، پیوستگی یا گسستگی جملات و نیز صدای دستوری جملات، می‌توان به دریافت‌هایی از ایدئولوژی نهان متن و منهج گفتمانی آن دست یافت.

جدول شماره ۲- مقایسه درصد فراوانی انواع وجهیت/انواع جملات/انواع صدای دستوری در سوگ سروده‌های مردان و زنان

جنسیت شاعر	وجه خبری	وجه غیرخبری	سایر وجوه	درصد فراوان جملات گسسته	درصد فراوانی جملات پیوسته	صدای دستوری فعال (افعال گذرا/ متعدی)	صدای دستوری منفعل	صدای دستوری انعکاسی
مردان	۴۴/۷۹ درصد	۵۰/۶۰ درصد	۴/۶۰ درصد	۵۷/۱۹ درصد	۴۲/۴۱ درصد	۷۳/۱۶ درصد	۲۶/۵۵ درصد	۰/۲۸۲ درصد
زنان	۸۵/۰۷ درصد	۶/۵۴ درصد	۸/۳۷ درصد	۶۱/۵۲ درصد	۳۸/۴۷ درصد	۴۱/۰۵ درصد	۵۸/۴۲ درصد	۰/۵۲۶ درصد

۳-۲-۱. وجهیت و قطعیت

مؤلف نسبت به مسائل مطرح در کلامش، سطوح مختلفی از یقین را داراست. میزان باورداشت مؤلف درباره آنچه از آن سخن می‌گوید، بخش بزرگی از ایدئولوژی او را در کلام بازتاب می‌دهد. جست‌وجو در نحوه و میزان به کارگیری افعال با وجوه متفاوت، در کنار دقت در انواع قیود به کاررفته در جملات، از نشانگرهای مهم منطق گفتمانی مؤلف در نحو زبان است. قاطعیت کلام، با افزایش میزان جملات با وجوه خبری و قیود

تأکیدی افزایش می‌یابد. همچنین مؤلفی که از وجه خبری و قیود تأکیدی بیشتر بهره می‌گیرد، موضع گفتمانی بالادستانه و مقتدرانه‌تری را به تماشا می‌گذارد و برعکس، وجوه شرطی، التزامی و تمنّایی، مواضع فرودستانه‌تری را از حیث کنش‌های گفتمانی تداعی می‌کنند.

بر اساس بررسی‌های انجام گرفته، همچنان که در جداول مربوط (شماره ۲) مشخص است، برخلاف تصوّر پیش فرض، زنان با وجهیت خبری بیشتر که به قطعیت بیشتری در گفتمان می‌انجامد، از عواطف خود و مواضعشان در قبال جهان و جامعه سخن گفته‌اند و میزان باور ایدئولوژیک در شعر زنان، فراوانی بسیار بیشتری نسبت به مرثی مردان دارد. حال این سؤال پیش می‌آید که با توجه به آنچه در مورد خاصیت و وجهیت و قطعیت در لایه نحوی گفته شده است و نیز پیوستار بیرونی این دو عنصر با بالادستی و تفوق اجتماعی، آیا زنان خود را از حیث اجتماعی و فرهنگی در موضع قدرت می‌بینند و مردان را از جایگاه فرودستانه‌تری می‌نگرند؟ بهترین راه برای حلّ این مسئله، رجوع دوباره به لایه واژگانی و مرور رمزگان پربسامد شعر زنان و مردان، برای درک فحوای اصلی کلام و موضوعات برجسته مطرح در این اشعار است. این رمزگان نشان می‌دهد زنان در مرثی خود، از جایگاه فرودستانه تسلیم و رضا سخن می‌گویند. در قاموس ایدئولوژی جنسیتی این دسته اشعار، جهان زنانه، از افق‌های اطاعت و انقیاد بازتاب داده می‌شود و بیشترین رویکرد گفتمانی انعکاس یافته در مرثی زنان نیز همین موضوع است؛ بنابراین، وقتی از قطعیت و جزمیت در لایه نحوی شعر زنان بحث شده و نتیجه‌گیری می‌شود که زنان با باورداشت قطعیت یافته‌تری ایدئولوژی جنسیتی خود را در اشعارشان بازنمایی کرده‌اند، نشان از آن دارد که زنان هرچقدر که در مقام اعتراض و عصیان به قیود فرهنگی و اجتماعی، با خودداری بیشتر و ظرافت زنانه بیشتری عمل کرده‌اند، در عوض، در مقام بیان جایگاه و منزلت زنانه خود و اذعان به برتری و اقتدار جهان مردسالار، اطمینان و باور کامل‌تری را بروز داده‌اند. این امر، حاکی از درونی‌شدگی این

باور کنشمند در زنان است که آنان در حاشیه قرار دارند و آسیب‌پذیرترند. همچون اشعار زیر که در آن، شاعر با تأکید و تکرار، از رنج‌کشی خود در جهان ناله‌ها دارد و با بهره‌مندی از ابزارهای بیانی و بلاغی، نظیر استفهام تأکیدی و قسم، میزان قطعیت کلام را تقویت کرده است:

کدام درد که نهاد بر دلم گردون؟	کدام غم که نخوردم من از زمانهٔ دون؟
کدام حسرت و دردی ندیده‌ام به جهان؟	کزان ستم رخ جان را نکرده‌ام گلگون؟
	(جهان ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۱۱)
قسم به خاک عزیزان که تا ز مادر دهر	من ضعیف بلا دیده آمدم به وجود
ندیده‌ام ز جهان جز جفا و جور و ستم	نبوده‌ام ز زمانه، اندکی خشنود
	(همان: ۵۱۳)

۲-۲-۳. صدای دستوری

صدای دستوری به بررسی این نکته در لایهٔ نحوی متن می‌پردازد که آیا مؤلف با صراحت و آشکارگی، فاعلان و کنشگران موضوعاتی را که دربارهٔ آن خبر می‌دهد، معرفی می‌کند یا آنکه از موضع فرودستانه‌تر، پنهان‌گرانه، مؤدبانه، محتاطانه یا شرمگینانه، از ذکر کنشگران اخبار عبور می‌کند. در این خصوص، صدای دستوری، به دو نوع اصلی، صدای فَعَال و صدای منفعل تقسیم می‌شود. «صدای فَعَال، بیان‌کنندهٔ انجام یک عمل توسط عنصر اصلی جمله (نهاد) است. وقتی نهاد جمله، کنشگر یا عامل فعل باشد، جمله صدای فَعَال و موثر دارد. این صدا از آن رو فَعَال نامیده می‌شود که عمل از جانب کنشگر که پویاترین یا فَعَال‌ترین بخش جمله است، جاری می‌شود و در کلام بسط پیدا می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۹۵). متنی که با فعل متعدی در جملهٔ معلوم تولید می‌شود، صدای فَعَال دارد. در جانب عکس صدای دستوری فَعَال، هرگاه، عمل به مفعول نسبت داده شود و به‌جای عامل عمل، نتیجه و معلول عمل، با استفاده از فعل مجهول برجسته شود، متن تولیدشده دارای صدای منفعل خواهد بود (همان: ۲۹۶). در تحلیل گفتمان، بسامد صدای دستوری فَعَال و منفعل، نحوهٔ بازنمایی ایدئولوژی را نشان می‌دهد.

همچنان که قطعیت و وجهیت اخباری، احتمال باورمندی بیشتر مؤلف به گفته‌هایش را افزایش می‌دهد، تقید مؤلف به سخن گفتن از کننده اخبار مندرج در کلامش (جملات اخباری) نیز گویای اقتدار، آزادی عمل بیشتر یا اعتماد به نفس بیشتر وی در گزارشگری و بازنمایی ایدئولوژی است.

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشخص است، صدای دستوری فعال در مراثی مردانه بسیار بیشتر از مراثی زنان است. این در شرایطی است که میزان و تعداد جملات با وجهیت خبری در مراثی زنانه، بیشتر از مرثیه‌های مردان بوده است. این امر نشان می‌دهد مردان از جملات معلوم و متعدی، بسیار بیشتر از زنان بهره برده‌اند. صدای منفعل که از متن مراثی زنان، بیشتر و رساتر از سوگ سروده‌های مردان برمی‌آید، نشانه دیگری از بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی زنانه است. صدای منفعل، بازتابی از ترس‌ها، پرواها و خویشتن‌داری‌های زنان در ابراز جهانی است که تجربه‌اش می‌کنند.

۳-۲-۳. جملات گسسته و پیوسته

طول جملاتی که در یک متن وجود دارد، سادگی جملات یا ترکیبی از جملات پایه و پیرو (یا پیروها) بودن، در خود، نشانه‌هایی از بازنمایی‌های ایدئولوژیک و پرداخت‌های عاطفی مؤلف به همراه دارد. بخشی از دریافت و تفسیر متن، با توجه به طول جمله‌ها انجام می‌پذیرد. جملات کوتاه و گسسته، بار عاطفی بیشتری در خود دارند و نشانه‌ای از شتاب در گفتمان هستند (شریفی، ۱۴۰۱: ۱۴۰). این گروه از جملات، اغلب از تأثرات روحی یا هیجانی عمیق مؤلف حکایت می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۵). در مقابل، سبک متکی بر جملات طولانی و پیوسته، سبک گفتمانی کند را باعث می‌شود. جملات طولانی گسسته، حاکی از درنگ منطقی و تأملات عاطفی مؤلف در برون‌ریزی عواطف و بازنمایی ایدئولوژی است (لونگینوس^۱، ۱۳۷۹: ۶۵). اگرچه طول جملات و نیز پیوستگی یا گسستگی عبارات در شعر، تا حدود زیادی، تابعی از بحر و وزن موسیقایی

شعر، قالب و ردیف انتخاب شده است، تکرار مضمون واحد به طرق مختلف را هم می‌توان یکی از اشکال پیوستگی کلام در شعر محسوب کرد. مطابق داده‌های تحقیق، فراوانی جملات با تکرار مضمون، در سوگ سروده‌های مردان بسیار بیشتر است؛ یعنی مردان، در حین پردازش این اشعار، فرصت بیشتری برای تأملات فلسفی-فرهنگی یا ادبی و اجتماعی به خود داده‌اند و صرفاً به منظور تخلیه عاطفی-هیجانی یا بازنمایی مجرد جهان خود به مخاطب، دست به قلم نبرده‌اند:

آنک آن مرکب چوین که سوارش قمر است	ره دروازه بر آن تنگ مگر بگشاید
آنک آن چشمه حیوان پس ظلمات مدر	تشنگان را ره ظلمات مدر بگشاید
آنک آن تازه بهار دل من در دل خاک	از سحاب مژه خوناب مطر بگشاید

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۱/۲۳۵)

اما فراوانی جملات کوتاه و گسسته در مرثیه‌های زنان، گفتار را عاطفی‌تر ساخته و بازتابی خالصانه‌تر از حسیات شاعر را نمایش می‌دهد که اغلب بر مدار ناتوانی و جوردیدگی است:

ندیده‌ام ز جهان جز جفا و جور و ستم	نبوده‌ام ز زمانه، زمانکی خوشنود
ببرد یکسره از من شکیب و صبر و قرار	ز درد بر دل من هر زمان غمی افزود
بسوخت جان جهانی از این ستم بر من	هر آن که دید مرا در جهان، همی بخشود

(جهان ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۱۱)

۲-۳-۴. کنش‌های گفتاری

تعیین نوع و میزان کنش‌های گفتاری موجود در متن، در تشخیص و تحلیل گفتمان و مؤلفه‌های ایدئولوژیک متن، بسیار کاربردی است. طبق نظریه کنش گفتاری، ساختارهای غیررسمی ایجاد شده در اجتماع، عامل ایجاد موقعیت‌های متفاوت ارتباطی و تعاملی بین افراد در جوامع است (Searle, 1997: 240). این مهم منجر به بروز کنش‌های مختلف از سوی گویندگان در تعامل با مخاطب متن می‌شود (Brinton, 2000: 303). دریافت جایگاه و عکس‌العمل‌های مختلف متن، از طریق بروز انواع کنش‌های گفتاری آشکار می‌شود (Poythress, 2008: 337)

؛ Mills, 1994: 16; Weedon, 1997: 25). در کنش‌های گفتاری اظهاری^۱، گوینده در ضمن جمله خبری، آن را تأکید یا تکذیب می‌کند. در کنش گفتاری ترغیبی^۲، دعوت گوینده بر انجام رویدادی با انواع جملات امری، خواهشی و تمنّایی همراه است. ملزم شدن گوینده در برآورده کردن رویدادی در آینده، همراه با سوگند خوردن و قول دادن، در کنش گفتاری تعهدی^۳ بارز می‌شود. ابراز انواع حسّیات و عواطف گوینده که با تحسین و ناسزا همراه است، در کنش گفتاری عاطفی^۴ هویدا می‌گردد. در کنش گفتاری اعلامی^۵، موقعیت مخاطب، توسط گوینده تغییر می‌کند (Searl, 1979: 15-17)، این جملات دارای کنش‌هایی مانند عطا کردن، منصوب کردن، نام گذاری کردن و... هستند.

جدول شماره ۳- مقایسه درصد فراوانی انواع کنش‌های گفتاری در مرثی مردان و زنان

جنسیت شاعر	کنش گفتاری اظهاری	کنش گفتاری ترغیبی	کنش گفتاری عاطفی	کنش گفتاری تعهدی	کنش گفتاری اعلامی
مردان	۳۶/۱۶ درصد	۵۳/۳۹ درصد	۱۰/۴۳ درصد	۰ درصد	۰ درصد
زنان	۶۷/۹۰ درصد	۸/۷۸ درصد	۲۲/۹۷ درصد	۰/۳۳۷ درصد	۰ درصد

مردان همچنان که با رمزگان و ساختار جملات، گرایش به اعتراض فرادستانه و آمرانگی بالادستی نشان داده‌اند، با کاربست فراوان کنش‌های ترغیبی، این ویژگی ایدئولوژیک را به گونه‌ای پررنگ به تماشا گذاشته‌اند:

صورت از دفتر و حلیت ز قلم محو کنید
صورت ایوان از دود جگر تیره کنید
حلی از خنجر و کوب ز سپر بگشاید
هم به شنگرف مژه روی صور بگشاید

1. Representative act
2. Directive act
3. Commssive act
4. Expressive act
5. Declaration act

تحلیل بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در لایه‌های سبکی سوگ سروده‌های شخصی فارسی - ۲۶۹

در دارالکتب و بام دبستان بکنید

بر نظاره ز در و بام مفر بگشاید

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۲۳۸/۱)

زنان نیز با کنش‌های اظہای و عاطفی، جهان جنسیتی خود را برای مخاطب ترسیم کرده‌اند که نه اعتراض در خود دارد و نه ترغیب و تبلیغی، بلکه بازنمایی صریح و حسّی اندوه و حسرت است که تنها گشایش‌گر و مایه امیدش خداوند است.

نه بگرفت یاری درین ورطه دستم

نه بستر دست‌ی درین ره غبارم

پدر نیست، شوهر نه، مادر نه و ینک

به دوشی ضعیف است سنگینه بارم

(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۱۳۱)

الهی تو بگشا دری از بهشت

به روی دلارای حوری سرشت

به جنت دهش جای این حورزاد

نشستن گهش جمله با حور باد

ز دل حسرت عالمش دور کن

روانش به لطف تو پر نور کن

(جهان ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۱۲)

۳-۳. لایه بلاغی

علاوه بر مواردی مانند آواها، واژگان و نحو عبارات، کارکرد و فراوانی انواع ابزارهای بلاغی نیز در شخصی‌سازی سبک و بازنمایی ایدئولوژی اثرگذار است؛ بنابراین، می‌توان انواع سبک استعاری، مجازی، کنایی تشبیهی و... برای بررسی نوع هویت کلام تعیین کرد (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۰۳ و ۳۰۴).

جدول شماره ۴- مقایسه درصد فراوانی انواع ابزارهای بلاغی در مرثی مردان و زنان

جنسیت شاعر	استعاره مصرحه	استعاره مکنیه	تشبیهات	تلمیح	کنایه
مردان	۴۶/۶ درصد	۲۵/۱۵ درصد	۹/۸۱ درصد	۷/۳۶ درصد	۴/۹۰ درصد
زنان	۴۵/۹۷ درصد	۳۱/۰۳ درصد	۱۶/۰۹ درصد	۴/۵۹ درصد	۲/۲۹ درصد

استعاره که تأویل‌پذیرترین ابزار بلاغی است، کارکردهایی چون ایضاح، ایجاز، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، پرهیز از رکاکت و تزیین کلام دارد (هاوکس^۱، ۱۳۷۷:

۱۱). استعاره در مرثیه‌های مردان، بسیار بیشتر از سوگ سروده‌های زنان دیده می‌شود. اصولاً زبان زنان در مرثیه‌های بررسی شده، ساده و صریح است، برخلاف زبان مردان که غالباً استعاری است. همچنان که در جدول مشخص است، در هر دو گروه، فراوانی استعاره مصرّحه، بسیار بیشتر از استعاره مکنیه است که نشانی از تلاش گویندگان هر دو جنس برای اثبات ارزش‌های ایدئولوژیک (نظیر عشق به عزیز ازدست‌رفته، اهمیت دل‌بند ازدست‌رفته در زندگی شاعر، باورمندی به جفاپیشگی زمانه، ناگزیری مرگ، مظلومیت انسان در برابر جور مرگ و بعضاً باورهای دینی و خرافات) است. استعاره‌های مصرّح در شعر زنان و مردان، آشنا و ساده است، تمایز چندانی در نرم‌زبانی ایجاد نمی‌کند، چندان خاصیت تأویل‌پذیری به متن نمی‌بخشد و بیشتر کاربرد زیبایی‌شناسانه در کنار افزایش بار عاطفی متن دارد.

کدام نرگس رعنا به آب جان پرورد
که عاقبت سر او را به داس غم ندرود؟
کدام سرو سهی را به ناز برنکشید؟
که هم به ارّه قهرش نیاورد به سجود؟
(جهان ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۱۱)

لؤلؤ خوشاب من از چنگک شد یک‌بارگی
لاله سیراب من بی‌رنگ شد یک‌بارگی
(سنایی، ۱۳۴۱: ۱۰۳۳)

ز بر تخت بخواید سهی سرو مرا
پیش نظارگیان پرده ز در بازدهید
ماه من چرخ سپر بود، روا کی دارید
که به دست زمی ماه‌سپر بازدهید؟
تازه نخل گهری را به من آرید و مرا
بهره‌ای زان گهری نخل بیر بازدهید
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۲۳۱/۱)

پس از استعاره مصرّحه، تشخیص، تشبیهات، تلمیح و کنایه، به ترتیب در رتبه‌های بعدی فراوانی ابزار بلاغی در مرثیه‌های مردان و زنان قرار دارد و البته سهم مردان (و به گونه شاخص، خاقانی) در به کارگیری ابزارهای بلاغی، بسیار بیشتر از زنان است. این ابزارها بیشتر به منظور تزئین کلام، تکرار مضمون در هیئتی جدید و افزایش القاگری عاطفی استفاده شده‌اند:

تشخیص

به جهان پشت مبندید و به یک صدمت آه مهرهٔ پشت جهان یک ز دگر بگشاید

(همان: ۲۳۵)

گیسوی چنگ و رگ و بازوی بربط ببرید گریه از چشم نی تیزنگر بگشاید

(همان: ۲۳۸)

فلک تندر و رعدی آغاز کرد همی زاری و گریه‌ها ساز کرد

(تندری، به نقل از حجازی، ۱۳۹۶: ۵۵۶)

تلمیح

برفت لیلی خوش منظرم ز دیده از آن شدم ز درد فراقش بدین صفت مجنون

(جهان ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۱۲)

اشک داود بیارید پس از نوحهٔ نوح تا ز طوفان مژه، خون جگر بگشاید

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۲۳۷/۱)

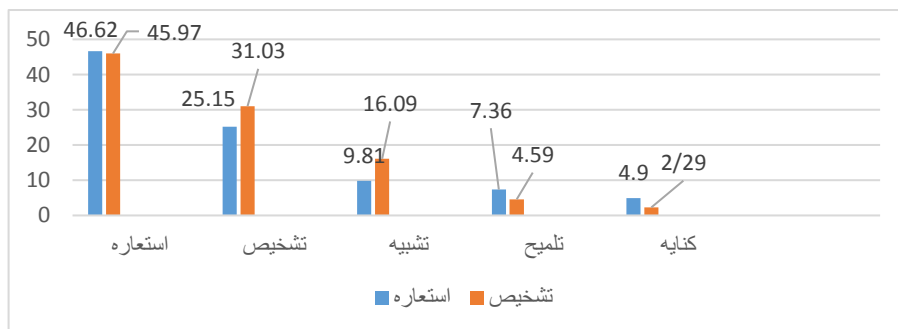
کنایه

چشم بد دریافت کارم تیره کرد ورنه روشن‌روی کاری داشتم

از لب و دندان من بدرود باد خوان آن سلوت که باری داشتم

گنج دولت می‌شمردم لاجرم در هر انگشتی شماری داشتم

(همان: ۳۶۰)



نمودار شماره ۲- مقایسه درصد فراوانی انواع ابزارهای بلاغی در سوگ‌سروده‌های زنان و مردان

نتیجه گیری

از جست و جوی بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در سه لایه واژگانی، نحوی و بلاغی سوگ سروده‌های شخصی زنان و مردان این نتایج به دست آمد:

- در لایه واژگانی، زنان با گزینش بیشتر از رمزگان حوزه مبین تسلیم و رضا، فرودستی و گردن نهادن به اراده جمعی و تقدیر را به عنوان مهم ترین شاخصه ایدئولوژی جنسیتی زنانه نشان داده‌اند. بیشتر انتخاب‌های مردان در این لایه، از رمزگان اعتراضی و فرادستانه است.

- در لایه نحوی، گرایش زنان به جملات کوتاه گسسته، قطعیت در گفتمان و کنش‌های گفتاری اظهاری و عاطفی است. این مختصات، جهانی به شدت عاطفی و هیجانی و تحت ستم را که درونی‌شدگی در حاشیه‌بودگی در باورهای کنش‌مندش نقش کلیدی ایفا می‌کند، برای مخاطب عینی می‌سازد. جهان مردانه بازنمایی شده در لایه نحوی، از طریق انتخاب جملات طولانی پیوسته و کنش‌های گفتاری ترغیبی، کمتر عاطفی و بیشتر منطقی است که قاهرانه قصد اقناع و تحریک مخاطب به پذیرش ارزش‌های مدنظرش را دارد.

- در لایه بلاغی، فراوانی ابزارهای بلاغی در مرثی مردان بیشتر از زنان است؛ اما در هر دو گروه، این ابزارها بیشتر برای دوری از رکاکت و تازگی و جذابیت ادبی و هنری تصاویر متن استفاده شده‌اند و نقش چندانی در بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در متن بر عهده ندارند.

- نشانه‌های فرهنگی/جنسیتی در این پژوهش، هماهنگ با کلیشه‌های جنسیتی غالب و رایج اجتماعی و همسو با گفتمان اجتماعی است.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۱)، مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل کلام - انتقادی در تولید و درک، رساله دکتری، تربیت مدرس.

تحلیل بازنمایی ایدئولوژی جنسیتی در لایه‌های سبکی سوگ سروده‌های شخصی فارسی - ۲۷۳

- احسانی اصطهباناتی، محمّدامین، عنایت‌الله شریف‌پور و محمّدرضا صرفی (۱۴۰۱)، **توصیف و ویژگی‌های زبانی طنز احمد مطر و عناصر بلاغی در طنز ابوالقاسم حالت**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۳، شماره ۲۷، صص ۳۱-۶۰.

- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۲ق)، **دلایل الاعجاز**، تصحیح سید رشید رضا، طبعه الخامسة، القاهرة: دارالمنار.

- جهان ملک خاتون (۱۳۷۴)، **دیوان**، تصحیح پوراندخت کاشانی راد و کامل احمدنژاد، تهران: زوآر.
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۶)، **زنان مؤدب تاریخ شعر و ادب زنان ایران زمین از آغاز تا ۱۳۲۰ شمسی**، تهران: قصیده‌سرا.

- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۱۳۷۵)، **چاه‌ها و ترکیب‌بندها**، تصحیح میرجلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز.

- خواجهی کرمانی، کمال‌الدین ابوالعطاء (۱۳۷۴)، **دیوان**، تصحیح سعید قانع، تهران: بهزاد.

- دمالی امیری، مهدی (۱۳۸۰)، **تبلور ایدئولوژی و قدرت در کلام تحلیل انتقادی اخبار رسانه‌ای**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی.

- سنایی غزنوی، ابوالجدود مجدود بن آدم (۱۳۴۱)، **دیوان**، تصحیح مدرّس رضوی، تهران: اتحاد.

- شریفی، سیدکمال، نرگس اسکویی و حسین داداشی (۱۴۰۱)، **تحلیل سبک‌شناختی رساله مجدیه**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۳، شماره ۲۸، صص ۱۳۳-۱۵۸.

- شهریار، محمّدحسین (۱۳۸۹)، **دیوان**، ج ۲، چ ۴۳، تهران: نگاه.

- صفوی، کورش (۱۳۸۳)، **معنی‌شناسی**، تهران: سوره مهر.

- عماد خراسانی، سیدعمال‌الدین (۱۳۶۲)، **دیوان اشعار**، تهران: جاویدان.

- فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، **سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، تهران: سخن.

- قائم‌مقامی، عالم‌تاج (۱۳۷۴)، **دیوان ژاله**، تصحیح احمد کرمی، تهران: ما.

- لونگینوس (۱۳۷۹)، **در باب شکوه سخن**، ترجمه رضا سیدحسینی، تهران: نگاه.

- وثیق، منصوره (۱۳۹۶)، **بانوان مرثیه‌سرا و شاعره‌های آیینی و عرفانی آذربایجان**، تهران: سفیر اردهال.

- ولف، جنت (۱۳۶۷)، **تولید اجتماعی هنر**، ترجمه نیره توکلی، تهران: نشر مرکز.

- هاتف اصفهانی (۱۳۷۵)، **دیوان**، تصحیح اقبال آشتیانی، چ ۳، تهران: نوبهار.

- هاوکس، ترنس (۱۳۷۷)، **استعاره**، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.

- هولمز، ماری (۱۳۸۹)، **جنسیت در زندگی روزمره**، ترجمه محمّد مهدی لیبی، تهران: نقد افکار.

- هینیک، ناتالی (۱۳۷۸)، **جامعه‌شناسی هنر**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: آگه.
- Barnett, R. C., Marshall, N. L., Raudenbush, S. W., & Brennan, R. T (1993) **Gender and the relationship between job experiences and psychological distress: A study of dual-career couples**, Journal of Personality and Social Psychology, 64, 794-806.
- Brinton, L. J. (2000) **the Structure Ols Modern English: A linguistic in troduction**, Vo 1.1. Co, Amsterdam.
- Brown, G and Yule G. (1993) **Discourse Analysis Cambridge**, Cambridge university Press.
- Fawcett, P. (2001). **Ideology and translation. In Baker, M., (Ed.), Routledge encyclopedia of translation studies**, (pp. 106- 110). London: Routledge.
- Hall, S. (Ed.) (1997). **Representation, Cultural Representation and Signifying Practices**. London: Sage Publications .
- Kress, G. & van Leeowen, T. (2006). **Reading Images, the Grammar of Visual Design**, Taylor and Francis E-Library .
- Leech, Geoffrey. (2013) **Language in Literature: Style and Foregrounding**, London and New York, Routledge .Longman Group Ltd .
- Mills, S. (1994) **Gendering the Reader. Hemel stated**, Harvested wheat sheaf.
- Poythress, V. R. (2008) **Canon and Speech Act: Limitation in Speech at Theory, with Implication for a putative Theory**, West Minster theoretical journal. 70. Pp. 337-354.
- Searle, J. R. (1979) **Expresstion and Meaning: Studies in the Theory of Speech Acts**, Cambridge: Cambridge University press .
- Simpson, Paul. (2004) **Stylistics: A Resourse Book for Students**, London and New York, Routledge.
- Verdonk, Peter. (2002) **Stylistics**, Oxford, Oxford University Press.
- Weedon, C. (1997). **Feminist Practice and Poststructuralist Theory**, Second edition. Oxford: Blackwell Publishing.